

# روش قرآن بنیان فرهنگ سازی امر به معروف و نهی از منکر در مرحله تشکیل و استقرار جامعه دینی

۷۳

قرآن پژوهی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۶ تاریخ تألیف: ۱۴۰۰/۸/۱۲

طیبه حیاتی\*

## چکیده

از جمله موضوعات مهم اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر است که با تلاش‌های پیگیر پیامبر ﷺ و تدبیر حکیمانه الهی در نزول تدریجی قرآن به تدریج بخشی از هویت دینی جامعه اسلامی شد؛ لذا کشف روش قرآن در این باره با توجه به تکرار آن در آیات قرآن، نوع مخاطبان آیات، کیفیت توزیع در شور و دوره‌های رشد اجتماع مؤمنان ضروری می‌نماید. پژوهش حاضر با بررسی توصیفی - تحلیلی آیات امر به معروف و نهی از منکر، در صدد کشف روش قرآن در فرهنگ‌سازی این مهم، در مرحله تشکیل و استقرار جامعه دینی ضمن سوره‌های مدنی می‌باشد. در مرحله نخست باید ارزش‌ها تبدیل به هنجار شده، قدرت و علو اجتماعی شکل گرفته باشد و متقیان، مؤمنان و عموم افراد جامعه ایمانی به عنوان یک رفتار اجتماعی برای نظارت عمومی اقدام نمایند. سپس جامعه دینی، ادیان دیگر را نیز به هنجارها فرا بخواند و در نهایت با قدرت روی زمین تبدیل به حکومت شود تا بستر مناسب برای اجرای این دو واجب فراهم گردد و جامعه دینی با قدرت و تمکن، برای حفظ و حمایت از هنجارها و برچیده شدن ناهنجاری‌ها در جامعه اقدام به امر به معروف و نهی از منکر نماید.

**واژگان کلیدی:** امر به معروف، نهی از منکر، ترتیب نزول، تفسیر تزیلی، نزول تدریجی، فرهنگ‌سازی.

\* دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم (t.hayati.۳۱۳@gmail.com).

دعوت اسلام مراحل از رشد و تکامل را پیمود و خداوند حکیم به تناسب هر مرحله، هر یک از عناصر دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر را که می‌بایست بخشی از هویت جامعه دینی شود، در سیری حکیمانه در سال‌های نزول تدریجی قرآن فرو فرستاد و آیات بر پایه همین سیر در قرآن توزیع شدند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۷۷ - ۸۴)؛ از این رو انتظار وجود نظام یا امکان استنباط نظام‌واره آیات مرتبط با موضوعات پژوهش از ترتیب قرارگرفتن آنها در سوره‌ها دور از ذهن نیست.

به عبارت دیگر در کشف روش قرآن در فرهنگ‌سازی امر به معروف و نهی از منکر، رابطه میان نزول این آیات با سیر تحول مخاطبان اول دعوت اسلامی بسیار مهم است. دعوت پیامبر ﷺ نقش مؤثری بر مردم مباشر دعوت وی در مکه و سپس مدینه داشت. مرحله اول زمانی بود که ایشان دعوت خود را به‌تنهایی آشکار کردند و مردم معاصر خود را به واکنش واداشتند. گروهی اسلام را پذیرفتند و گروه دومی در برابر تغییر مقاومت کردند (علق تا حجر: ۱ - ۵۴ در سیر نزول). سپس در مرحله دوم این مسلمانان تقویت شدند و همچون گروه کوچکی در برابر مشرکان مکی حضور اجتماعی یافتند (انعام تا مطففین: ۵۵ - ۸۶ در سیر نزول)؛ اما پس از هجرت به مدینه و با استقبالی که مدینه از مهاجران مسلمان کرد، اجتماع غالب را تشکیل دادند و در مرحله سوم بود که ایشان توانستند جامعه مستقری در مدینه شکل دهند. البته در این شرایط اقلیت‌های مشرک و غیر مسلمان حضور داشتند و گروهی از آنان با پنهان‌کردن چهره، راه نفاق را پیش گرفتند و در صدد آسیب‌زدن به اجتماع مسلمانان بودند (بقره تا فتح: ۸۷ - ۱۱۲ در سیر نزول). درنهایت در مرحله چهارم عمدتاً توصیه‌هایی برای پابرجایی این جامعه در دروان پس از حضور پیامبر ﷺ بیان شده است (مائده و توبه: ۱۱۳ و ۱۱۴ در سیر نزول) (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۵۲۰ - ۵۲۳).

مطالعه سوره و آیات قرآن در ظرف ترتیب نزول مشخص می‌کند آیات امر به معروف و نهی از منکر ناظر به این تحولات و پیشرفت نازل شده و بسامد مجموع آیاتی که درباره امر به معروف و نهی از منکر هستند، متناسب با هر یک از چهار مرحله تحول پیروان پیامبر ﷺ می‌باشد؛ چه آنکه در کل سوره‌های مکی علی‌رغم آنکه پیامبر به عنوان رهبر تحول و اصلاح جامعه مأمور به امر و نهی می‌باشد و به تدریج گروه خواص مؤمنان به مشارکت در شبکه اصلاح اجتماعی در کنار پیامبر ﷺ توصیه می‌شوند، اما امر به معروف و نهی از منکر به عنوان

یک دستور صریح به مؤمنان وجود نداشته و بخش قابل توجهی از این آیات مربوط به سوره‌های مدنی و مرحله تشکیل و استقرار جامعه ایمانی هستند و نخستین بار فرمان امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک دستور اجتماعی صریح به جامعه مؤمنان در سوره آل عمران (۸۹) در سیر نزول مطرح می‌شود؛ در زمانی که قطب حاکم، جامعه مؤمنان و قطب‌های مخالف و غیر اسلامی دارای جمعیت اندکی هستند. بر همین اساس لازم است به منظور تحلیل درست آیات امر به معروف و نهی از منکر در توزیع آنها، آیات از این منظر بررسی شوند تا مشخص شود مؤمنان در موقعیت‌های مختلف حضورشان در اجتماع، چگونه این واجب را اجرا کنند تا به تدریج این مهم، بخشی از فرهنگ جامعه شود. همچنین از آنجا که این موضوع با نوعی الزام یا منع بیرونی همراه است، باید به شکلی حکیمانه و با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها به مخاطبان انتقال یابد تا مورد پذیرش قرار گیرد.

البته این موضوع که بر اساس متون دینی سعادت یا شقاوت افراد و جوامع در گرو فعل یا ترک آن دانسته شده است (مجلسی، [بی‌تا]، ج ۱۰۰، ص ۷۲)، در بسیاری از آثار کلامی، فقهی و اخلاقی همچون مفتاح الباب از سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی از شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ق) و المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء از فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ق) و... از حیث ماهیت، وجوب، مراتب و آثار آن مورد بحث قرار گرفته است. ضمن آنکه در تاریخ معاصر هم به دلیل اهمیت و ضرورت این موضوع در کتاب‌هایی همچون امر به معروف و نهی از منکر از حسن اسلامی، جواد محدثی، محسن قرائتی و... برای تبیین این موضوع از نگاه قرآن تلاش شده است؛ لکن در هیچ یک از آثار توجهی جامع به کشف روش و سیر اقدامات قرآن در تبیین امر و نهی از نقطه‌آغازین تا فرهنگ‌سازی آن در جامعه اسلامی بر اساس ترتیب نزول قرآن صورت نگرفته است؛ حال آنکه این روش‌ها اگر به خوبی توصیف و ویژگی مخاطبان عصر نزول از آنها زدوده شود، به الگویی ساده برای تحول‌آفرینی در جوامع معاصر مبدل خواهند شد.

پژوهش حاضر در صدد است با بررسی توصیفی - تحلیلی آیاتی که ماده «امر/ اوامر» و «نهی/ نواهی»، «معروف» و «منکر» را داراست، همچنین آیاتی که صیغه امر و نهی در آن به کار رفته است و مرتبط با موضوع امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و با استفاده از ترتیب نزول پذیرفته‌شده در کتاب تفسیر همگام با وحی (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۹۱ - ۱۲۵) که موافق با

جدول‌های ترکیبی ترتیب نزول سوره‌های دانشگاه الازهر، تفسیر خازن (بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹ - ۱۰)، الإیتقان (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۴ - ۶۹) و التمهید (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۹ - ۱۱۳) می‌باشد، روش قرآن را در فرهنگ‌سازی این مهم در مرحله تشکیل و استقرار جامعه ایمانی ضمن سوره‌های مدنی از بقره تا فتح (۱۱۲ - ۸۷ در سیر نزول) و با توجه به موقعیت نزولی آنها کشف نماید.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### الف) امر

امر در لغت دارای دو ساختار معنایی است: ۱. فرمان، طلب و حکم. امر در این ساختار معنایی در مقابل نهی قرار گرفته و جمع آن اوامر است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۷). ۲. حال (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۱ / مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۵۷)، کار، حادثه، واقعه، شأن، چیز که جمع آن امور است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸). آنچه در این پژوهش مورد نظر است، معنای نخست امر یعنی دستور دادن و کسی را به انجام کاری وادارکردن می‌باشد.

### ب) نهی

نهی به معنای بازداشتن، منع کردن و برحذر داشتن کسی از چیزی یا کاری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۲) و مقابل آن، امر به معنای فرمان و طلب قرار می‌گیرد (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۲۳۱). نهی در قرآن کریم علاوه بر معنای بازداشتن گاه متضمن معنای دیگری همچون دعا، ارشاد، دوام، نومیدکردن، انس و الفت نیز می‌باشد (خرمشاهی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۸۸)؛ اما مشهورترین معنای آن همان منع کردن و بازداشتن است که در این پژوهش نیز همین معنا مورد نظر است؛ ضمن آنکه باید توجه داشت در مفهوم امر و نهی، علو و برتری داشتن امر و ناهی نسبت به مأمور و منهی مد نظر است (مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۴۲ / خراسانی، ۱۴۳۸ق، ج ۱، ص ۹۱).

### ج) معروف

معروف به معنای امر یا شیء شناخته شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۲۱/ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۲۱۶) که نفس آن را به خوبی می شناسد و نسبت به آن اطمینان حاصل می کند (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۰۷). معروف به هر آنچه نزد عقل و شریعت به نیکویی شهره باشد، اطلاق می گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۱). افزون بر این، آنچه با ذائقه افراد یک جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم، مقبول و متداول باشد و مورد پذیرش عرف اجتماعی قرار گیرد، معروف نامیده می شود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۲۷).

### د) منکر

این واژه در مقابل شناخت است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۲۳۹) و منکر به هر کاری که عقل سلیم به زشتی و قبیح آن حکم نماید یا اینکه در بیان قبح و حسن آن سکوت کند، سپس شریعت به بدی و زشتی آن اذعان نماید اطلاق می گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲۳). پس منکر یعنی چیزی که هم عقل و هم شرع یا شرع به تنهایی آن را قبیح بدانند.

### ه) امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف در اصطلاح به معنای فرمان دادن به هر کاری است که حُسن آن از نظر عقل و شرع کاملاً مشخص می باشد و نهی از منکر نیز به معنای بازداشتن از هر کاری است که حُسن آن از دید عقل و شرع ناشناخته باشد یا به قبح آن حکم شده باشد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۴۱). در امر به معروف و نهی از منکر جنبه اقناعی کمرنگ تر است و آمر و ناهی در صددند با فشار از بیرون، فرد را به عملی وادار کنند یا از رفتاری بازدارند، خواه او از صمیم قلب مایل باشد یا نباشد (داوودی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۲۰).

تمامی فقها بر اساس دلایل نقلی یا دلایل عقلی قایل به وجوب این دو حکم شده اند (عاملی، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۰۹)؛ لیکن در اینکه این وجوب، عینی است و متوجه همه افراد می شود یا اینکه کفایی است و در صورت انجام آن توسط عده ای، وجوب آن از دیگران ساقط می شود، اختلاف نظر دارند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۳۵۹).

## و) فرهنگ‌سازی

فرهنگ‌سازی اشاره به نوعی ماندگاری و نهادینه‌شدن باور، عادت و رسوم در فرد و جامعه دارد که به دو صورت ناخودآگاه یا آگاهانه ایجاد می‌شود و قابلیت اصلاح، تغییر یا تکامل را داراست و فعالان فرهنگی جامعه متکفل جهت‌دادن آگاهانه به این تغییرات هستند (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹).

### ۲. گزارش، توصیف و تحلیل آیات در مرحله تشکیل و استقرار جامعه دینی

در این قسمت نخست آیاتی که ماده «امر/ اوامر» و «نهی/ نواهی»، «معروف» و «منکر» را داراست، همچنین آیاتی که صیغه امر و نهی در آن به کار رفته و مرتبط با موضوع امر به معروف و نهی از منکر است، ضمن سوره‌های بقره تا فتح (از ۱۱۲ - ۸۷ در سیر نزول) گزارش شده، سپس ذیل عناوین برگرفته از آنها و با تعهد به رعایت ترتیب نزول، به توصیف و تحلیل آن آیات پرداخته شده است.

۷۸  
فرآه‌پژوهی

جدول «۲ - ۱» سیر تنزیلی آیات سوره‌های بقره تا فتح (از ۱۱۲-۸۷ در سیر نزول)

ردیف	نام سوره	ترتیب نزول	شماره آیه	نمایه
۱	بقره	۸۷	۴۴	سرزنش متدینان اهل کتاب در امر و نهی دیگران و غفلت از نظارت بر خود
۲	آل عمران	۸۹	۲۱-۲۲	هشدار درباره قاتلان آمران به معروف
۳	آل عمران	۸۹	۱۰۴	دستور صریح به اجرای امر به معروف و نهی از منکر
۴	آل عمران	۸۹	۱۱۰	معرفی جامعه مؤمنان به عنوان آمران به معروف و ناهیان از منکر در دیگر ادیان
۵	آل عمران	۸۹	۱۱۳-۱۱۴	ارزشمندی امر به معروف و نهی از منکر در متدینان دیگر ادیان
۶	ممتحنه	۹۱	۱۲	مشروط‌کردن همراهی با پیامبر ﷺ بر امرپذیری و نهی‌پذیری
۷	نساء	۹۲	۳۶-۳۷	تقیح امر به بخل
۸	نساء	۹۲	۱۱۴	امر به معروف و نهی از منکر با نجوا
۹	حدید	۹۴	۲۳-۲۴	هشدار به آمران به بخل
۱۰	حج	۱۰۴	۴۰-۴۱	قدرت اسلامی زمینه‌ساز امر به معروف و نهی از منکر

ردیف	نام سوره	ترتیب نزول	شماره آیه	نمایه
۱۱	تحریم	۱۰۸	۶	نظارت بر اعضای خانواده

### الف) سرزنش متدینان اهل کتاب در امر و نهی دیگران و غفلت از نظارت بر خود

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره (۸۷): ۴۴).

سوره بقره شاخصه‌های ایمان در وضعیت جدید حضور مسلمانان در مدینه را تشریح می‌کند (شحاته، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۲۱) و متقیان را که با شش ویژگی (بقره (۸۷): ۴ - ۳) پایه‌گذار جامعه مدنی صدر اسلام در یثرب شدند، با برخی از مهم‌ترین احکام آشنا (المیدانی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۴۰۶) و ضمن آسیب‌شناسی رفتار دین‌داران گذشته، برای پایداری بر هویت واحد دینی در آغاز جامعه‌پردازی اسلامی راهنمایی‌هایی را ارائه می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۸ - ۹۷).

بنابراین متناسب با مقصود سوره به آسیب‌شناسی برخی متدینان اهل کتاب می‌پردازد (بهجت-پور، ۱۳۹۴، ص ۳۸۲) و ضمن یادکرد قطعاتی از تاریخ اهل کتاب به نقد و هشدار عملکرد آنان پرداخته، آمران به معروف و ناهیان از منکری را که در میان آنان بوده اما خود بدانچه می‌گفتند، عمل نمی‌کردند، به شدت سرزنش می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۱۵).

خداوند در این آیه قوم یهود را به وضعیت و حقیقت عمل منحرفی که در دعوت خود بدان خو گرفته بودند، متوجه می‌کند؛ زیرا آنان خودشان را پایگاه شریعت و رهبران مردم به سوی خیر قرار دادند، لیکن در همان زمان در عملکرد خود به این جایگاه خیانت می‌کردند؛ لذا درحقیقت به منزله کسانی بودند که در حساب مسئولیت، خودشان را فراموش کردند و دلواپس سرنوشت دنیا و آخرت خود نبودند؛ در حالی که نگرانی مردم را نسبت به مواجهه با سرنوشت دنیا و آخرتشان بر می‌انگیختند و این همان طریق و شیوه‌ای است که انسان در آن عقلانیت را گم کرده است؛ چون عاقل کسی است که در عین برانگیختن مردم به سوی نجات، به فکر نجات خویشان هم هست (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۹). بنابراین می‌توان گفت خودفراموشی نشانه بی‌خردی است و آمران به معروف در گام نخست، باید خود عامل به معروف باشند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۰۶)؛ چراکه مادامی که آمران به معروف، خود به آنچه به آن امر می‌کنند، عمل نکنند نه تنها امر و نهی ایشان در دیگران اثر نمی‌کند، بلکه اثر معکوس داشته، حجتی علیه آنان خواهد بود (رشید رضا،

۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۲۴۶). لذا اگرچه خطاب آیه به یهود است، عبرتی برای همه جوامع و امت‌ها برای اقدام به امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد (همان، ص ۲۴۷).

### ب) هشدار درباره قاتلان آمران به معروف

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّيْنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (آل عمران (۸۹): ۲۱). غرض سوره آل عمران جلوگیری از تفرقه مؤمنان از حق (الدوسری، ۱۴۲۶ق، ص ۱۶۶) و جلوگیری از وادادگی در برابر توطئه‌های فکری و نظامی کافران اهل کتاب و مشرکان است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۰۱). به همین مناسبت در سوره آل عمران مسلمانان را از ساده‌انگاری در مؤمن‌شمردن صاحبان ادیان برحذر داشته، آنها را درباره وادادگی به این جریان‌ها و تأثیرپذیری از توطئه‌های آنها هشدار می‌دهد (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۴۰۲).

بر همین اساس پیرو هدف سوره، در این آیات بیان می‌شود نتیجه کفر به آیات الله، قطع رابطه ذهنی از نشانه‌ها و نمودارهای خدا و پیوستگی و پیچیدگی به خود و شهوات طغیانگر است که در پیچه‌های بینش به آیات را می‌بندد و از تسلیم به حق و قیام به قسط باز می‌دارد و قوا و استعدادهای متعالی را راکد و خفه می‌گرداند؛ تا آنجا که نخست مقاومت‌های وجدانی و درونی را سرکوب می‌کند و اگر میدان بروزی یافت، هر مقاوم بیرونی و اجتماعی را می‌کشد و از سر راه خود بر می‌دارد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۶۱). بنابراین در این آیات مجدداً درباره ماهیت کفرآلود برخی اهل کتاب هشدار داده (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۳۳)، مسلمانان را از تهدید فریب برخی صاحبان ادیان مطلع می‌سازد. کلام الهی با برشمردن برخی ویژگی‌های بلند این گروه از جمله استمرار در کفرورزیدن به آیات پروردگار و مداومت در قتل انبیا و آمران به معروف، هویت آنان را بر مؤمنان آشکار ساخته، با بیان فرجام شوم آنها که دچار شدن به حبط اعمال، عذاب دردناک جاودانه، بی‌یاور و شفیع ماندن، آوارگی و ذلت مدام و وجود عداوت در میان آنان تا قیامت می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۲۴ - ۱۲۳ / حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۸)، به مسلمانان هشدار می‌دهد که همچون آنان رفتار نکرده، از دوستی و معاشرت با این گروه نیز پرهیز نمایند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۲۳ - ۱۲۴ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۷۹).



آنچه در این بین حائز اهمیت است، هم‌سطح بودن قتل آمران به معروف با قتل انبیای الهی و نیز یکسان بودن مجازات قتل آمران به معروف با کفرورزیدن به آیات الهی و کشتن پیامبران می‌باشد. این مسئله گویای اهتمام اسلام به گسترش و اهمیت امر به معروف است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۸).

### ج) دستور صریح به اجرای امر به معروف و نهی از منکر

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران (۸۹): ۱۰۴). در سوره‌های مکی به تدریج اقلیت مؤمنان در مقابل اکثریت مشرک و قطب حاکم بر مکه مطرح شده و این قابلیت را یافته بودند که به شکلی رسمی رفتار مؤمنانه خود را بروز دهند. بنابراین با دو قطبی نمودن جامعه، شکاف اعتقادی میان مؤمنان و مشرکان رسمیت یافت (طبری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۷۵۴)؛ اما در سوره‌های مدنی که با بقره شروع شد، شرایط تغییر کرد. در این زمان قطب حاکم، جامعه مؤمنان و قطب‌های مخالف و غیر اسلامی دارای جمعیت اندکی هستند. جامعه دینی حاکم به قوانینی برای اداره خود و نهادسازی‌هایی نیاز دارد. این جامعه باید در تعامل با دیگر اقلیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی یا تهدیدهای داخلی و خارجی که گاه بروز می‌کند، راهنمایی شود. سوره‌های مدنی به این ابعاد توجه می‌کنند. با این اقدامات قوت، غلظت و شوکت جامعه تأمین می‌شود و دوره خطر به پایان می‌رسد (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۴۰۲).

به همین مناسبت نخستین بار خداوند در یکصد و چهارمین آیه سوره آل عمران در مدینه و در هشتاد و نهمین سوره در سیر تنزیلی سور قرآن اولین دستور صریح به مؤمنان را برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه بیان می‌کند و پیرو هشدار به مؤمنان در اطاعت از اهل کتاب و فتنه‌انگیزی‌های آنان، گروه مؤمنان را که هم‌اکنون اکثریت حاکم در مدینه بودند، مأمور به امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید که باید گروهی از آنها دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر نمایند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۶۷) و با این اقدام، فلاح و رستگاری آنان را رقم زده، از دستاوردهای گران‌بهای اسلام در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی محافظت می‌نماید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۷/ مکارم شیرازی،

۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۷)؛ چراکه افراد در جامعه اسلامی تنها به فکر خیر و صلاح خود نیستند، بلکه احساس مسئولیت نسبت به دیگران باید جزئی از شخصیت ایشان گردد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۰۰).

در حقیقت در سوره‌های مکی اهتمام پروردگار بر تحقق ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جان افراد مؤمن و مقاومت‌سازی آنان در برابر جریان ضد ایمان استوار بود؛ اما پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه تشکیل جامعه ایمانی در دستور کار قرار گرفت؛ لذا به تناسب موقعیت‌ها و شرایط، احکام، قوانین و ارزش‌های اجتماعی بازگو شد. اکنون لازم بود از این ارزش‌ها و دستاوردهای ارزشمند به دست مؤمنان محافظت شود. بنابراین برای نخستین بار و خوب امر به معروف و نهی از منکر بر امت اسلامی اعلام عمومی و همگانی شد تا در سایه امنیتی که این فریضه الهی به ارمغان می‌آورد، ارزش‌ها، باورها و آرمان‌های نهادینه‌شده در جامعه مؤمنان و نیز احکام، قوانین و معارف تشریح‌شده در شریعت اسلام مصون مانده و با طرح معارف و مفاهیم عمیق‌تر و متعالی‌تر بر غلظت و استحکام آنها افزوده شود.

در حقیقت بر اساس سیر تنزیلی آیات امر و نهی تا زمان نزول سوره آل عمران، و خوب امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک اصطلاح و دستور صریح به مؤمنان مطرح نبوده است. این مطلب مشخص می‌کند برای معروف و منکر شدن پدیده‌ها باید جافتادگی و تثبیت یک ارزش در پهنه اجتماع شکل بگیرد؛ یعنی ارزش تبدیل به هنجار شده باشد. در غیر این صورت باید به مراحل پیش از آن مثل توصیه و دعوت به خیر پرداخت تا ارزش‌ها به تدریج در اجتماع جاگیر و بر پایه آن هنجارها شکل گیرند؛ چنان‌که دعوت به خیر در آیه شریفه به عنوان مرحله پیش از امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است. دعوت به خیر مرحله پیش از امر به معروف و نهی از منکر و مربوط به حوزه ارزش‌هاست و امر به معروف و نهی از منکر مربوط به هنجارها و بایدها و نبایدهای رفتاری حاصل از آن است؛ چه آنکه به نظر برخی سر تقدیم دعوت به خیر بر امر به معروف و نهی از منکر آن است که دعوت به خیر یعنی دعوت به اسلام (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۸۱)؛ اما امر به معروف و نهی از منکر یعنی فرمان‌دادن به مسلمانان برای انجام معروف‌های شناخته‌شده نزد عقل و نقل و نهی او از ارتکاب منکرات و چیزهایی که نزد عقل و نقل ناشناخته و فاقد رسمیت باشند؛ بنابراین مبتلایان به شبهه حکمی و گاه به شبهه موضوعی را باید آموزش داد و به خیر دعوت کرد و امر به معروف و نهی از منکر، پس از فراغ از این مرحله

است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۶۳).

همچنین نظر به عدم تصریح به این مسئله به عنوان یک دستور اجتماعی به مؤمنان در جامعه مکی و طرح آن در سوره آل عمران (هشتادونهمین سوره قرآن بر حسب ترتیب نزول) در زمانی که قطب حاکم، جامعه مؤمنان و قطب‌های مخالف و غیر اسلامی دارای جمعیت اندکی هستند، روشن می‌شود برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر در اصطلاح، باید قدرت و علو اجتماعی شکل گرفته باشد؛ چه آنکه جوهر امر به معروف و نهی از منکر که در آن جدی بودن مطرح است، با تعلیم، تذکر، ارشاد و حتی دعوت به خیر تفاوت دارد و چون صبغه فرمان دارد و با علو و برتری آمر و ناهی همراه است، باید از موضع قدرت باشد (همان، ص ۲۵۴).

لذا اگر تا کنون وجوب امر به معروف و نهی از منکر رسماً اعلام نشده است، به این جهت بوده که بخش مهمی از معروف‌ها و منکرات شرعی شکل نگرفته است و جامعه نیز توان لازم برای امر و نهی را به دست نیاورده است. امر و نهی نیاز به قدرت و تسلط فرهنگی دارد و تا زمان سوره آل عمران و گذشت حدود دو دهه از ظهور اسلام این سلطه و قدرت شکل نگرفته بود (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۵۰). پس تا توسعه در شخص پدید نیاید، تکلیفی صادر نمی‌شود و تمام مراحل گذشته تا سوره آل عمران، توسعه در ظرفیت مسلمانان را رقم زده و پیرو آن، فرمان به امر و نهی حکیمانه می‌شود.

بنابراین بر خلاف دعوت که صرفاً در مرحله بیان و در حوزه ارزش‌هاست، امر و نهی باید از موضع قدرت و نسبت به امثال هنجارها و ترک ناهنجاری‌های پذیرفته‌شده در جامعه باشد. بنابراین سزاوار است آمران به معروف و ناهیان از منکر قدرت را به دست گیرند تا امر و نهی آنها در جامعه دارای ارزش بوده، صرفاً در حد مطلق کلام باقی نماند (همان، صص ۹۲۹ و ۹۴۹). به همین جهت باید توجه نمود امر به معروف و نهی از منکر، از لوازم و واجبات اجتماع معتصم به حبل‌الله است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۷۲/ رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۲۲/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵)؛ لذا محور امر و نهی و دعوت به خیر، حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه در جامعه حول محور حبل‌الله است (آل عمران (۸۹): ۱۰۳ و ۱۰۵)؛ چراکه امر به معروف و نهی از منکر نیاز به قدرت دارد و این قدرت جز در سایه الفت و محبت بین مؤمنان و پرهیز از تفرقه و اختلاف در جامعه حاصل نمی‌شود؛ به عبارت بهتر برای امر به معروف و نهی از منکر باید قدرت داشت و قدرت مسلمانان جز در پرتو وحدت ایجاد نمی‌شود؛

از این رو پیرو دستور به امر به معروف و نهی از منکر، ایشان را از تفرقه و اختلاف بر حذر می‌دارد (رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۳۹).

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مرحله اول در فرایند فرهنگ‌سازی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک اصطلاح و دستور اجتماعی به جامعه قوی شده مؤمنان، ابتدا باید ارزش‌ها تبدیل به هنجار شده و یک گروه برجسته در کنار دعوت به خیر، آمر و ناهی باشند.

### د) معرفی جامعه مؤمنان به عنوان آمران به معروف و ناهیان از منکر در دیگر ادیان

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران ۸۹): (۱۱۰). «الْيُسُوءِ سِوَاءٍ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران ۸۹): (۱۱۳ - ۱۱۴).

پس از اعلام وجوب فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر بر مؤمنان، در یکصد و دهمین آیه سوره آل عمران، مسلمانان سودمندترین امت برای سایر جوامع معرفی و ایمان داشتن به خدا پس از امر به معروف و نهی از منکر نمودن به عنوان دو عامل قطعی برتری امت اسلام بر تمامی امت‌ها مطرح شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۸). ایمان مطلق، همه‌جانبه و عملی به معبود به دور از هر گونه تفرقه، حاصلی جز سلامت، سعادت و سربلندی در دو دنیا نخواهد داشت و امر به معروف و نهی از منکر نیز ضامن حفظ و حتی گسترش چنین ایمانی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۷۶ - ۳۷۷)؛ چراکه با استعانت از این فریضه الهی، هنجارها و بایدها و نبایدهای برخاسته از اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی در جایگاه خاص و درست خود استقرار یافته و چهره حقیقی یک اجتماع مؤمن به اسلام را در معرض نگاه مخاطبان و متفکران قرار می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۹ / ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۸۹ - ۱۹۰)؛ چه آنکه وجه تقدم این دو فریضه بر ایمان به الله را می‌توان بر اساس همین نکته فهمید و این، نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی است. به علاوه انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می‌باشد و ضامن اجرا عملاً بر خود قانون مقدم است

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۹/ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۸۹ - ۱۹۰).

لذا از مجموع این آیات استفاده می‌شود که امر و نهی به دیگر ادیان ابراهیمی هویت مسلمانان مقبول جامعه اسلامی است و جامعه‌ای که چنین رابطه‌ای با ادیان ابراهیمی دیگر و مردم دیگر برقرار نکند و رسالت جهانی را به عهده نگیرد، جامعه مطلوب اسلامی نیست؛ ضمن آنکه روشن می‌شود فرجام تکوینی هر فرد و ملتی که در مسیر انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، خللی صورت دهد، همانند اهل کتاب که مخاطبان ویژه این آیات هستند، چیزی جز شکست و گرفتار آمدن به غضب الهی نخواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۸۳ - ۳۸۴). در مقابل هر فرد و قومی که همچون برخی مؤمنان اهل کتاب متعلق به صفات مذکور در آیات مورد بحث باشند و با انجام این فریضه به یاری خداوند بپردازند، در زمره صالحان قرار خواهند گرفت (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۳۰۵). به همین مناسبت در آیات ۱۱۳ - ۱۱۴ بر تفکیک میان آمران به معروف و ناهیان از منکر در میان اهل کتاب تأکید می‌کند و بر خلاف دیگران از ایشان، این قشر را مجموعه محترمی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۸۵). به عبارت دیگر این آیه ارزش امر به معروف و نهی از منکر حتی در میان دیگر متدینان به خدا را، هرچند غیر مسلمان باشند، روشن می‌کند که این دو فریضه تا چه میزان به افراد، گروه‌ها و ادیان ارزش می‌دهد.

### هـ) مشروط کردن همراهی با پیامبر ﷺ بر امر پذیرگی و نهی پذیرگی

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأُذُنِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَلْيَايِعُهُنَّ...» (ممتحنة (۹۱): ۱۲). مقصود از نزول سوره ممتحنة تقویت صفت برائت مؤمنان از دشمنان اعتقادی و تنظیم و تعدیل رابطه با آنهاست تا احکام و لوازم این برائت را بدانند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۲۶). به همین مناسبت در این آیه ضمن بیان احکام زنانی که از جامعه کفر مهاجرت می‌کنند، توضیح می‌دهد یکی از شرایط همراهی با پیامبر اسلام ﷺ آن است که او را در معارف نافرمانی نکرده و نسبت به هنجارها و ضد هنجارها، امر پذیرگی و نهی پذیرگی داشته باشند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۴۹). بنابراین اینکه خداوند متعال در بیان شروط بیعت با پیامبر ﷺ، اطاعت از رسول خدا را مقید به عمل به معروف‌ها می‌نماید، روشن می‌کند التزام به

معروف در جامعه از بزرگ‌ترین ارکان دین و شریعت است (رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۴۴۶)؛ لذا مشخص می‌شود شرط همراهی با پیامبر ﷺ، امرپذیری و نهی‌پذیری در هنجارها و ناهنجاری‌هاست؛ از این رو بر اساس ترتیب نزول مشخص می‌شود ویژگی جامعه شکل‌گرفته و قوی مؤمنان، امرپذیری و نهی‌پذیری است و تازه‌واردها نیز با این مقیاس ارزیابی می‌شوند. بر همین اساس روشن می‌شود در حقیقت لطمه‌نزدن به هنجارها و شناخته‌های اجتماعی، عقلی و شرعی و شاداب ماندن هنجارها - نه صرف دعوت به خیر - مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. ضمن آنکه با ترویج امرپذیری و نهی‌پذیری در جامعه دینی در خلال مشروط‌کردن همراهی با پیامبر ﷺ، این مطلب را روشن می‌کند که برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید در جامعه، امرپذیری و نهی‌پذیری را توسعه داد و نباید صرفاً دستور به امر و نهی‌کردن به مردم را گسترش داد؛ زیرا این دو مسئله، جریان‌ی دوسویه است.

### (و) تقبیح امر به بخل

«وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِالْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا الَّذِينَ يَخْلَوْنَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا» (نساء: ۹۲: ۳۷ - ۳۶). مقصود از نزول سوره، ترغیب مردم به میانه‌وری و آشنایی با عوامل اعتدال در مواضع گوناگون خانوادگی است (المیدانی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۲۱ - ۲۲۰) و خداوند در این آیات متناسب با مقصود سوره، مؤمنان را به انجام صحیح مسئولیت‌های اجتماعی در قبال دیگر مؤمنان و همچنین عدم بخل در انفاق امر کرده و از امرکردن سایرین به منکری چون بخل‌ورزی نهی نموده است.

یهودیان معاصر با جامعه ایمانی رسول گرامی اسلام ﷺ نزد انصار رفته، ایشان را از انفاق به مهاجران و سایر مؤمنان منصرف می‌ساختند؛ لذا این آیه شریفه آنان را به عذابی ذلت‌بار و خوارکننده وعده داد (طوسی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۹۶/ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۰۶ - ۳۰۷). بنابراین کسانی که از نیکی به هم‌نوع و پذیرش مسئولیت در قبال آنان سر باز می‌زنند و دیگران را نیز به آن منکر فرمان می‌دهند، لایق عذاب جاودانه الهی هستند. بر همین اساس بخل از حمایت‌های

مالی از مهم‌ترین موضوعات منکرات و آسیب بزرگ جامعه در گسترش احسان و نیکوکاری است (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ص ۸۱)؛ ضمن آنکه نیکوکاری به طبقات ذکرشده بخشی از هویت مؤمنانه و مسئولیت‌پذیر جامعه دینی است که در توسعه امرپذیری و نهی‌پذیری در میان مؤمنان و برانگیختن روحیه مسئولیت‌پذیری نقش قابل توجهی خواهد داشت (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۵۹). بر همین اساس در یک نگاه آسیب‌شناختی بیان می‌کند موضوع بخل، آسیب بزرگ جامعه در گسترش احسان و نیکوکاری است. در این رابطه است که خدای متعال بیان می‌فرماید امر به بخل که جریان ضد رواج روحیه احسان در جامعه و خانواده‌هاست، عذاب دردناک الهی را به دنبال دارد. علاوه بر آنکه در شرایط شکل‌گیری جامعه اسلامی مقابله با آمران به بخل و منع‌کنندگان از احسان، عامل مهمی در حفظ و بالندگی جامعه اسلامی به شمار می‌رود تا در پرتو توسعه روحیه احسان در میان مؤمنان، تلاش‌های به‌عمل‌آمده برای شکل‌گیری جامعه دینی با آسیب مواجه نشود. همچنین نباید از نظر دور داشت گرچه معروف‌ها و منکرات در این مرحله فراوان‌اند، با توجه به جایگاه بخل در روند شکل‌گیری جامعه اسلامی، قرآن در این مرحله بر این موضوع تأکید کرده است تا انرژی جامعه دینی مصروف مسائل مهم‌تر شده و از امور اصلی به مسائل حاشیه‌ای منحرف نشود.

### ز) امر به معروف و نهی از منکر با نجوا

«لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ...» (نساء ۹۲): (۱۱۴). خداوند در این آیه بر ارزشمندی امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده و بیان می‌کند اصلاح بین مردم در جامعه، امر به صدقه و امر به معروف چنان ارزشمند است که بی‌خیری نجوا و درگوشی سخن‌گفتن‌ها را به عنوان استثنا تبدیل به خیر می‌کند.

«نجوا» به معنای سخنان درگوشی و نیز جلسات مخفیانه است که سوء ظن دیگران را به دنبال خواهد داشت؛ چراکه غالباً با نیت پلید و به منظور تصمیم برای اجرای انواع دسیسه‌ها صورت می‌گیرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۴۵۹). اما گاه برای حفظ آبروی یک فرد لازم است مواردی از نجوا استثنا شود؛ همچون زمانی که قصد صدقات مالی به نیازمندان یا اصلاح طرفین دعوا در نظر باشد. از دیگر موارد جواز نجوا هنگامی است که قصد امر به معروف و نهی از منکر در کار

باشد. آمر و ناهی با هدف حفظ آبروی شخص خطاکار به صورت پنهانی و به آهستگی تذکرات لازم را به وی گوشزد می‌نماید، بدون آنکه سایرین مطلع شوند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۵۲/فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۸). در چنین حالتی فرد خاطی آبروی خویش را محفوظ می‌بیند و لذا در اکثر مواقع بدون لجاجت و به صورت منطقی برخورد کرده، احتمال تأثیر اوامر و نواهی افزایش می‌یابد و این چنین خداوند متعال با جایز شمردن استفاده از روش نجوا در امر به معروف و نهی از منکر به صورت استثنا، ضمن گسترش روحیه امرپذیری و نهی‌پذیری یکی از روش‌های امر به معروف و نهی از منکر را تبیین می‌کند.

### ح) هشدار به آمران به بخل

«لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (حدید (۹۴): ۲۳ - ۲۴).

سوره حدید برای جلوگیری از دنیازدگی مؤمنان و ایجاد روحیه خشوع در برابر خدا، آنها را به انفاق و قرض‌الحسنه توصیه نموده (شحاته، ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۲۹۳/فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۸) و در این آیات متناسب با مقصود سوره، خداوند دگر بار به تقبیح بخل و تهدید آمران به بخل پرداخته، یادآوری می‌کند ثمره انسانیت و مهرورزی به هم‌نوع به خود انسان و اجتماع وی خواهد رسید و دل‌ها را برای پذیرش مراتب بالاتر ایمان آماده می‌سازد، و الا خداوند هیچ نیازی به انجام این امور نخواهد داشت (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۴۲۲).

ثروت و فزونی اموال به‌ظاهر منجر به کسب جایگاه برتر اجتماعی برای برخی متمولان معاصر نزول شده بود و منشأ غرور و خودبرتربینی آنان به شمار می‌آمد. ترس از فروریختن این جایگاه پوشالی سبب می‌شد بخل پیشه کرده و از آنجا که سخاوت سایرین هویت آنان را بر ملا می‌نمود، مردم را به بخل‌ورزی و ترک مسئولیت‌پذیری فرمان می‌دادند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۸۷)؛ لذا در این آیات مجدداً بر مسئله دلبستگی افراط‌گونه به مواهب دنیا و پرهیز از انفاق و امر به بخل‌ورزی در مسیر شکل‌گیری جامعه دینی و یکی از مهم‌ترین موضوعات منکر تأکید می‌شود تا جامعه دینی در برخورد با منکرات نسبت به موضوعاتی که اولویت بیشتری در جامعه دارند، اقدام نمایند.



## ط) قدرت اسلامی زمینه‌ساز امر به معروف و نهی از منکر

«وَلَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيُنْصَرْنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...» (حج (۱۰۴): ۴۰ - ۴۱). مقصود سوره آماده‌ساختن مؤمنان برای جهاد با خیانت‌کاران ناسپاس و غاصبان مکه (صعیدی، [بی‌تا]، ص ۲۰۴) و مقدمه مباحث مربوط به فتح مکه است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۴۶۰). به همین مناسبت در این آیات در مقام تعلیل نسبت به تشریح جهاد روشن می‌کند که در این مقطع، قتال تنها راه حفظ اجتماع صالح از ظلم ستمگران است و تشریح قتال به منظور حفظ مجتمع دینی از شر دشمنان دین است که می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند؛ زیرا اگر جهاد نباشد، همه معابد دینی و مشاعر الهی از میان می‌رود. اگر افراد باایمان و غیور دست روی دست بگذارند و تماشاجی فعالیت‌های ویرانگرانه طاغوت‌ها و مستکبران باشند و آنها میدان را خالی ببینند، اثری از مراکز عبادت الهی نخواهند گذاشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۸۳ - ۳۸۵). البته در ادامه اذن جهاد، بیان می‌کند خداوند به طور مسلم به کسانی که او را یاری کنند و از آیین و مراکز عبادتش دفاع نمایند، وعده نصرت، قدرت و تمکین در زمین می‌دهد و آنان را با چهار ویژگی اقامه نماز، ادای زکات، امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند.

بر همین اساس جامعه دینی باید با قدرت و تمکن بر زمین، تبدیل به حکومت شود که علاوه بر اقامه نماز و ادای زکات، امر به معروف و نهی از منکر کند؛ چراکه اطاعت مطلق پروردگار در کام همگان شیرین نبوده، منافع برخی را در معرض خطر قرار می‌دهد. دنیاپرستان در برابر عوامل پویایی جامعه ایمانی از جمله اقامه نماز، انفاق، امر به معروف و نهی از منکر که ضمانت اجرای قوانین و احکام اسلام را بر عهده دارد، ایستاده و مسیر آن را مسدود می‌سازند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۲۰۳ / جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۰۴)؛ لذا یکی از ابزارهای اثربخشی امر به معروف و نهی از منکر به‌دست آوردن حکومت اسلامی است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۸۴) و زمانی که حکومت الهی و بر پایه آن سلطه، قدرت، نظام و قانون الهی شکل گیرد، امر به معروف و نهی از منکر از ارکان اساسی آن در همه عرصه‌ها خواهد بود (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۴۹).

## ی) نظارت بر اعضای خانواده

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» (تحریم (۱۰۸): ۶). خداوند متعال در این آیه، مؤمنان را به تلاش برای نجات خود و اهلسان از آتش فرا می‌خواند و مسئولیت مؤمنان را در قبال افراد خانواده یادآور می‌شود. مؤمنان باید هم دلسوز خود و هم خانواده‌هایشان باشند و برای نجات آنها از آتش جهنم بکوشند؛ البته این به معنای سلب مسئولیت و استقلال افراد خانواده در موضوع کفر و ایمان نیست (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۴۷۴).

کلمه «قوا» جمع امر حاضر از ریشه «وقی» و مصدر وقایه است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۳۱) و «وقایه» به معنای حفظ کردن چیزی است از هر خطری که به آن صدمه زده، موجب اذیت و آزار می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۸۱) و مراد از عبارت «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ» در آیه، نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت بر محور امر به معروف و نهی از منکر در خانواده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۲، ص ۳۱۷/صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۸، ص ۴۴۱ - ۴۴۲)؛ چنان‌که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: وقتی آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» نازل شد، مردی از مؤمنان نشست و شروع به گریه کرد و گفت من از نگهداری نفس خودم عاجز بودم، اکنون مأمور نگهداری از زن و فرزند خود نیز شده‌ام. رسول خدا ﷺ به او فرمود: در نگهداری اهلت همین بس است که به ایشان امر کنی آنچه را که به خودت امر می‌کنی و ایشان را نهی کنی از آنچه خودت را نهی می‌کنی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹۶/بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۴۲۳).

همچنین نقل شده است ابی‌بصیر می‌گوید از امام پرسیدم چگونه زن و فرزند را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمود: آنها را امر کن بدانچه خدا امر کرده و نهی کن از آنچه خدا نهی کرده است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۷۷). اهمیت این مسئله به گونه‌ای است که هر گونه کوتاهی در اقدام به این مهم همچون خیانت و کوتاهی در مقابل حملات نظامی دشمن به کشورهای اسلامی بلکه بیشتر از آن است؛ چراکه خطر تسلط و سیطره جریان مقابل ایمان بر افکار افراد به مراتب از خطر تسلط بر مرزهای جغرافیایی بیشتر است؛ از این جهت که موجبات تسلط کفار و مستکبران را بر جامعه اسلامی از داخل و خارج از اجتماع فراهم می‌آورد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۱۸).

در حقیقت هر خانواده سنگی از بنای اجتماع محسوب می‌گردد و به عبارتی دیگر مجموع اجتماعات خانوادگی است که جامعه‌ای گسترده پدید می‌آورد؛ لذا هر نوع سرمایه‌گذاری بر

اعضای آن، جامعه را از مزایای خود بهره‌مند می‌گرداند و هر گونه انفعال یا پاشیدن بذره‌های فساد و تباهی در میان خانه و خانواده در نهایت به ناکارآمدی، افساد و سقوط اجتماع از ارزش‌ها و هنجارهای فطری و الهی می‌انجامد. قطعاً فرهنگ جامعه متأثر از خرده‌فرهنگ‌هایی است که افراد از درون خانواده‌های خویش به همراه می‌آورند و هویت تعلیم دیده و تربیت یافته آنان در آن محیط را نمایان می‌سازد. تغییر یا ترمیم عناصر فرهنگی زمانی میسر خواهد بود که از نهاد خانواده آغاز شود و این عناصر زمانی پابرجا و پردوام می‌مانند که از حراست و نظارت اعضای این نهاد برخوردار باشد.

در طول سالیانی چند که از ظهور اسلام می‌گذشت، تغییرات فرهنگی و اجتماعی محسوسی در جامعه مسلمانان به چشم می‌خورد که از تعلیمات شریعت اسلام نشئت گرفته و هویتی فاخر برای مؤمنان به ارمغان آورده بود. ضرورت پاسداری و حفاظت از این فرهنگ متعالی در برابر بقایای فرهنگ جاهلان‌ه‌ای که در برخی خانواده‌های مسلمان هنوز به چشم می‌خورد و نیز فراهم‌نمودن زمینه‌های بقای آن در نسل‌های آتی ایجاب می‌نمود کانون آموزش و پرورش انسان به نحو ویژه‌ای مورد توجه قرار گیرد. بنابراین در ششمین آیه از سوره تحریم به تمامی مؤمنان فرمان می‌دهد خانواده خویش را امر به معروف و نهی از منکر نموده، آنان را به اطاعت پروردگار و حرکت در صراط مستقیم، امر کرده، از انواع گناهان و معاصی و تسلیم در برابر سرکشی شهوات بازدارند و با نظارت بر اجتماع کوچک خانواده از سقوط دینی خانواده جلوگیری کرده، محیطی پاک و عاری از گناه فراهم آورند تا اعضای این اجتماع در سایه امنیت و طهارت حاکم بر آن، از آتش خشم و غضب جاودانه پروردگار مصون بمانند.

به عبارت صریح‌تر خدای متعال ابتدا در سوره حج بیان می‌دارد که گروهی از افراد مؤمن در صورت به‌دست‌گرفتن قدرت برای استقرار معروف و کنارزدن منکر تلاش خواهند کرد و همین مقام را سپس خدای متعال به هر یک از اعضای خانواده می‌دهد تا مراقبت اسلامی در درون خانواده‌ها شکل گیرد. هدف این اقدام خانوادگی نجات خود و اهل خود از آتش است. پس هم در جامعه، وجود افراد آمر و ناهی اهمیت دارند و هم در خانواده همه اعضا به همدیگر نظارت و مراقبت دارند.

نظارت اجتماعی و اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در خانواده، علاوه بر اینکه افرادی مؤمن و مطیع در برابر معبود پرورش می‌دهد، فرهنگ مسئولیت‌پذیری در قبال سرنوشت هم‌نوعان را در آنان نهادینه ساخته، هر یک را به عنوان آمر و ناهی به جامعه عرضه می‌دارد.

## نتیجه گیری

بر پایه بررسی آیات امر به معروف و نهی از منکر در مرحله تشکیل و استقرار جامعه دینی ضمن سوره‌های بقره تا فتح (از ۸۷-۱۱۲ در سیر نزول) روشن می‌شود برای فرهنگ‌سازی این مهم در ابتدای روند جامعه‌پردازی، خداوند متعال به استقلال جامعه دینی توجه می‌دهد و عناصر مخل به آن از جمله بنی اسرائیل و نیز شیطان را رسوا کرده، در یک آسیب‌شناسی دقیق روشن می‌کند خودفراموشی نشانه بی‌خردی است و آمران به معروف در گام نخست باید خود عامل به معروف باشند.

سپس برای انسجام جامعه دینی به موضوع وحدت توجه می‌دهد و موضوع وجوب امر به معروف را با محوریت تلاش برای حفظ وحدت مورد تأکید قرار می‌دهد. در مرحله اول در فرایند فرهنگ‌سازی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک دستور اجتماعی به جامعه قوی‌شده مؤمنان، ابتدا ارزش‌ها باید تبدیل به هنجار شده، یک گروه برجسته در کنار دعوت به خیر، آمر و ناهی باشند. در مرحله دوم از فرایند فرهنگ‌سازی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه عمومی و همگانی، جامعه دینی متحد باید با قدرت و به دور از هر گونه اختلاف، ادیان دیگر را نیز به هنجارها فراخواند. سپس در مرحله سوم، جامعه دینی باید با قدرت و تمکن بر زمین، تبدیل به حکومت شده، قدرت اسلامی زمینه‌ساز امر به معروف و نهی از منکر در کنار اقامه نماز و پرداخت زکات خواهد بود.

درحقیقت بر اساس سیر تنزیلی آیات امر به معروف و نهی از منکر در سوره‌های مدنی روشن می‌شود پس از تحقق ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جان افراد مؤمن و جاافتادگی و تثبیت ارزش‌ها در پهنه اجتماع و تبدیل شدن آنها به هنجار، در شرایطی که به تدریج جامعه دینی شکل می‌گیرد و مسلمانان توسعه ظرفیت پیدا کرده و قدرت و تسلط فرهنگی لازم برای امر به معروف و نهی از منکر فراهم شده است، وظیفه متقیان، مؤمنان و عموم افراد جامعه ایمانی است که به عنوان یک رفتار اجتماعی برای نظارت عمومی در جهت عمل به هنجارهای عرفی، عقلی و شرعی در جامعه و ترک ضد هنجارها اقدام نموده و هویت مسلمانان مقبول جامعه اسلامی را ترسیم کنند؛ ضمن آنکه در این مرحله برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید قدرت حاکمیتی شکل بگیرد و وظیفه حکومت است که بستر مناسب برای اجرای این دو واجب را فراهم آورد تا جامعه دینی با قدرت و تمکن، برای حفظ و حمایت از هنجارها و برجسته‌شدن ناهنجاری‌ها در جامعه اقدام به امر

به معروف و نهی از منکر نماید.

البته در این مرحله پس از گسترش فرمان امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظارت عمومی در میان افراد جامعه، اعضای خانواده باید به موضوع مراقبت بر دیگر اعضا در درون خانواده اقدام کنند و تمامی مؤمنان وظیفه دارند خانواده خویش را امر به معروف و نهی از منکر نمایند. در واقع در این مرحله وظیفه امر به معروف و نهی از منکر از شخصیت‌هایی چون رهبران، باید به نظارت عمومی تبدیل شود. در این باره ابتدا مردمی که نقش مرجعیت و صاحب قدرت در جامعه هستند، به عنوان آمر و ناهی معرفی می‌شوند، سپس اعضای خانواده به موضوع مراقبت بر دیگر اعضا توصیه می‌شوند.

همچنین آمران به معروف و ناهیان از منکر برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر نظارت عمومی در جامعه باید تلاش کنند علاوه بر گسترش فرمان امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، روحیه امرپذیری و نهی‌پذیری را نیز در جامعه گسترش دهند و در برخورد با منکرات نسبت به موضوعاتی که از اولویت بیشتری در جامعه برخوردارند، اقدام نمایند تا انرژی جامعه دینی مصروف مسائل مهم‌تر شود.

۹۳  
قرآن شریف

## منابع

١. آلوسی، محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ ج ١٤، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٥ق.
٢. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ النهایة فی غریب الحدیث و الأثر؛ ج ٣، تحقیق محمود محمد طنّاحی، طاهر احمد زاوی؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ١٣٦٧.
٣. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر و التنویر؛ ج ٣، ١٧ و ٢٨، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ١٤٢٠ق.
٤. ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق هارون عبدالسلام محمد؛ ج ١ و ٦، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ١٤٠٤ق.
٥. ازهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة؛ ج ٢ و ٦، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢١ق.
٦. اللوسری، منیرة محمد ناصر؛ اسماء سور القرآن و فضائلها؛ بیروت: دار ابن جوزی، ١٤٢٦ق.
٧. المیدانی، عبدالرحمن حسن حبنکة، تفسیر تدبری للقرآن الکریم بحسب النزول؛ ج ٤ و ٥، دمشق: دار القلم، ١٤٢٠ق.
٨. انصاری، مرتضی بن محمدامین؛ المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات؛ ج ٢، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ١٤١٥ق.
٩. باقی نصرآبادی، علی؛ میانی جامعه شناسی؛ قم: انتشارات یاقوت، ١٣٨٢.
١٠. بحرانی، هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة العبثة قم؛ ج ٥، تهران: بنیاد بعثت، ١٤١٦ق.
١١. بغدادی، علاء الدین؛ لباب التأویل فی معانی التنزیل؛ تحقیق محمدعلی شاهین؛ ج ١، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٥ق.
١٢. بهجت پور، عبدالکریم؛ شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم؛ قم: تمهید، ١٣٩٤.
١٣. مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ دائرة المعارف قرآن کریم؛ ج ٤، ٤، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ١٣٩٠.
١٤. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن محمد؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن؛ تحقیق

- ابی محمد ابن عاشور و نظیر ساعدی؛ ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۵. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن؛ **جلاء الأذهان و جلاء الأحزان**؛ ج ۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله؛ **تفسیر تسنیم**؛ ج ۱۵، چ ۵، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۹۰.
۱۷. حسینی همدانی، محمد؛ **انوار درخشان در تفسیر قرآن**؛ ج ۳، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. خراسانی، محمدکاظم؛ **کفایة لاصول: تحقیق مجتبی المحمودی**؛ ج ۱، چ ۷، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۸ق.
۱۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ **دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی**؛ ج ۲، تهران: انتشارات ناهید، ۱۳۸۱.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **مفردات الفاظ القرآن**؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۲۱. رشیدرضا، محمد؛ **تفسیر المنار**؛ ج ۱ و ۴، [بی‌جا]: هیئة المصرية العامة للکتاب، ۱۹۹۰م.
۲۲. داوودی، محمد؛ **سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ**؛ ج ۲، [بی‌جا]: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۲۳. سیوطی، جلال‌الدین؛ **الإتقان فی علوم القرآن**؛ تحقیق سعید مندوب؛ ج ۱، چ ۲، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
۲۴. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم؛ **فی ظلال القرآن**؛ ج ۲، چ ۱۷، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۵. شحاته، محمود عبدالله؛ **اهداف کل سورة و مقاصدها فی القرآن الکریم**؛ ترجمه محمدباقر حجتی؛ ج ۱ - ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۹۹۹م.
۲۶. صادقی تهرانی، محمد؛ **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة**؛ ج ۲۸، چ ۲، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۲۷. صعیدی، عبدالمتعال؛ **النظم الفنی فی القرآن**؛ مصر: مکتب الآداب، [بی‌تا].
۲۸. طالقانی، محمود؛ **پرتوی از قرآن**؛ ج ۵، چ ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
۲۹. طباطبایی، محمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ ج ۳، ۱۴ و ۱۹، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ ج ۱ - ۲، چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ **تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوک)**؛ ج ۳، بیروت: [بی‌نا]، ۱۴۱۱ق.

۳۲. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۳. عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشیعة؛ ج ۲، قم: انتشارات آل البيت ﷺ لإحياء التراث، [بی تا].
۳۴. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبداللّه؛ کنز العرفان فی فقه القرآن؛ تصحیح محمداقرا بهبودی؛ ج ۲، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۳.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ ج ۲، ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۶. فضل اللّه، محمد حسین؛ من وحی القرآن؛ ج ۱، ۲، ۷-۵ و ۲، ۲، بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر، ۱۴۱۹ق.
۳۷. فیض کاشانی، ملامحسن؛ تفسیر الصافی؛ تحقیق حسین اعلمی؛ ج ۵، ۲، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۳۸. فیومی، احمد بن محمد؛ مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛ ج ۲، ۲، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
۳۹. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ ج ۱، ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۳.
۴۰. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ ج ۴، ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱.
۴۱. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ تحقیق طیب موسوی جزایری؛ ج ۱-۲، ۳، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳.
۴۲. کاشانی، ملافتح الله؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین؛ ج ۲، تهران: کتاب فروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶.
۴۳. مجلسی، محمداقرا؛ بحار الانوار الجامعة لاخبار الائمة الأطهار؛ ج ۱۰۰، تهران: نشر اسلامی، [بی تا].
۴۴. مروارید، علی اصغر؛ سلسله البنایع الفقهیة؛ ج ۹، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة و الدار الاسلامیة، ۱۴۱۰ق.
۴۵. مدرسی، محمدتقی؛ من هدی القرآن؛ ج ۱، تهران: دار محیی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۴۶. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۱ و ۱۲، ۳، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۳۰ق.
۴۷. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ ج ۱، ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.



۴۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲ - ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۹. نجفی، محمدحسین؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ ج ۲۱، چ ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۵۰. واحدی نیشابوری، علی بن احمد؛ اسباب نزول القرآن؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.

